

کتاب دانیال - شماره چهل و سه

آشکارسازی نمادگرایی مکروه ویرانگر در نبوت کتاب مقدسی

Jeff Pippenger

2024-01-07

تشخیص پولس از روم بت پرست به عنوان آن قدرتی که از برآمدن پاپیت به قدرت در سال ۵۳۸ جلوه‌گیری می‌کرد، همان شهادتی شد که ویلیام میلر دریافت و بر پایه آن «قربانی دائمی» را در کتاب دانیال نماینده بت پرستی دانست. چارچوب تفسیری ویلیام میلر بر دو قدرت ویرانگر استوار بود: نخست بت پرستی و پس از آن پاپیت. مهم‌ترین کشف میلر در تأیید آن چارچوب، شهادت پولس در ۲ تسالونیکیان، باب دوم، بود؛ جایی که پولس تصریح می‌کند مانعی که روم بت پرست در برابر پاپیت پدید آورده بود، باید از میان برداشته شود تا «مرد گناه» در هیکل خدا قرار گیرد و خود را خدا بنمایاند.

در کتاب دانیال، نماد «قربانی دائمی» که نمایانگر بت پرستی است، همواره با نمادی از پاپیت دنبال می‌شود، خواه این نماد به صورت «معصیت ویرانگر» نمود یابد یا «مکروه ویرانی». با این حال، در هشدار مسیح به مسیحیان درباره محاصره و ویرانی اورشلیم که در خلال سه سال و نیم میان سال‌های ۶۶ تا ۷۰ میلادی رخ داد، مسیح از «مکروه ویرانی که دانیال نبی از آن سخن گفته است» به عنوان نشانه‌ای برای مسیحیانی که در اورشلیم بودند یاد کرد تا بی‌درنگ بگریزند. تاریخ نشان می‌دهد که آن نشانه نه نماد روم پاپی، بلکه روم بت پرست بود. اگر مؤمنان می‌خواستند از محاصره و ویرانی در امان بمانند، می‌بایست آن نشانه را تشخیص می‌دادند. آیا «مکروه ویرانی که دانیال نبی از آن سخن گفته است» نمادی از روم بت پرست است یا روم پاپی؟

پس چون مکروه ویرانی را که دانیال نبی از آن سخن گفته است، در مکان مقدس برپا ببینید، (هر که می‌خواند، دریابد): آنگاه آنان که در یهودیه‌اند، به کوه‌ها بگریزند؛ آن که بر بام است، فرود نیاید تا چیزی از خانه خود بردارد؛ و آن که در مزرعه است، بازنگردد تا جامه خود را بگیرد. وای بر آبستنان و بر شیردهندگان در آن روزها! اما دعا کنید که گریختن شما نه در زمستان باشد و نه در روز سبت؛ زیرا در آن هنگام مصیبتی عظیم خواهد بود، چنان‌که از آغاز جهان تا کنون نبوده است و هرگز نیز نخواهد بود. و اگر آن روزها کوتاه نمی‌شد، هیچ بشری نجات نمی‌یافت؛ لیکن به خاطر برگزیدگان، آن روزها کوتاه خواهد شد. متى 24:15-22.

خواهر وایت توضیح می‌دهد که این هشدار چگونه در جریان تاریخ ویرانی اورشلیم از سال 66 تا 70 میلادی به انجام رسید، و او تصریح می‌کند که پرچم، یا علم سپاه روم، همان نشانه‌ای بود برای مسیحیانی که هنوز در اورشلیم بودند تا بگریزند. پس آیا «مکروه ویرانی که دانیال نبی از آن سخن گفته است» روم بت پرست بود، یا روم پاپی، آن‌گونه که میلر چارچوب خود را بر آن بنا نهاد؟

ویلیام میلر هدایت شد تا هر دو ظهور روم را درک کند (بت پرستانه و پس از آن پاپی)، اما تاریخی که در آن می‌زیست او را ناگزیر ساخت که هر دو پادشاهی را همچون یک پادشاهی مورد بررسی قرار دهد. و البته، آنها یک پادشاهی هستند، اما در عین حال نمایانگر دو پادشاهی متوالی نیز می‌باشند. میلر که تحت فشار تاریخ نبوی 1798 قرار داشت، ناچار بود روم را اساساً همچون یک پادشاهی مطرح کند. در سال 1798، میلر بر این باور بود که آمدن دوم مسیح تقریباً بیست و پنج سال در آینده است. او به‌خوبی می‌دانست که روم پاپی در 1798 جراحی کشنده دریافت کرده است. از دید میلر، هیچ پادشاهی زمینی دیگری نبود که پس از روم پاپی بیاید، زیرا مسیح در آستانه بازگشت بود.

در آن مقطع از تاریخ که میلر در آن قرار داشت، او درک می‌کرد که مجسمهٔ باب دوم دانیال نمایانگر چهار پادشاهی زمینی است، زیرا دانیال بر همین امر شهادت داده بود.

ہے دیتا کر ٹوکڑے-ٹوکڑے کو وستیوں سب لوہا جیسے کیونکہ؛ ہوگا بل و نوت سمان کے لوہے راجہ چوتھا اور کرےگا ٹوکڑے-ٹوکڑے، ہے دیتا کر چور-چور کو سب ان جو سمان کے لوہے اس، وہ ہی ویسے، ہے لیتا کر مے و ش اور بنا کھ-کھ سے لوہے اور مٹی کی کھار کو انگلیوں اور پاؤں ان نے تو جیسا اور ڈالےگا۔ کھل اور گیلی کو لوہے نے تو کیونکہ، رہےگا بل کھ کا لوہے اس میں تو بھی؛ ہوگا و بجا راجہ وہ ہی ویسے، دیکھا ہوا 2:40, 41. دانیئل دیکھا۔ ہوا ملیا ساٹھ کے مٹی

میلر دریافتہ بود کہ تنها چهار پادشاهی وجود دارد، و پادشاهی چهارم و نہایی روم است؛ کہ او از تاریخ می‌دانست همان روم بت‌پرست است کہ به دنبال آن روم پاپی می‌آید. پادشاهی چهارم از نظر میلر، در توافق با سخن دانیال، «منقسم» بود؛ اما برای میلر این انقسام تنها بیانگر تمایزی میان جنبه‌های تحت‌اللفظی و روحانی پادشاهی روم بود. او درست می‌فهمید، اما فهم او محدود بود.

میلر ندید کہ تقسیم روم مشرک و روم پاپی، بر همان تقسیمی استوار بود کہ پولس برای شناسایی آن برانگیخته شد. پولس (و یحیی‌ای تعمیددهنده) تشخیص دادند کہ در بازه زمانی صلیب، امر تحت‌اللفظی می‌بایست به امر روحانی گذار کند. بدون آن فهم، میلر ناگزیر بود بپذیرد کہ روم اساساً یک پادشاهی واحد است کہ دو مرحله دارد. و البتہ، او درست می‌گفت (اما محدود بود). او نمی‌توانست ببیند کہ روم روحانی به وسیلۂ بابل تحت‌اللفظی نمادپردازی شده است، زیرا روم روحانی (پاپیت) همچنین بابل روحانی نیز هست.

بابل تحت‌اللفظی، به عنوان نخستین چهار پادشاهی در دانیال دو، نمونۂ پادشاهی چهارم می‌بود، زیرا نخستین همواره نمونۂ آخرین است. روم بت‌پرست به وسیلۂ بابل نمونہ‌وار گردیده بود، اما هم روم بت‌پرست و هم بابل، روم روحانی (پاپیت) را نمونہ‌وار می‌ساختند. بنابراین، پاپیت پادشاهی پنجم بود، و به وسیلۂ بابل نمایش داده شده بود. این یکی از دلایل اساسی است کہ چرا خواہر وایت اسارت اسرائیل تحت‌اللفظی را در بابل به مدت ہفتاد سال، با اسارت اسرائیل روحانی در بابل روحانی به مدت ہزار و دویست و شصت سال مقایسہ می‌کند.

«کلیسای خدا بر زمین، در طی این دورۂ طولانی آزار بی‌امان، به همان سان در اسارت بود کہ فرزندان اسرائیل در دوران تبعید در بابل به اسارت نگاه داشته شده بودند.» انبیا و پادشاهان، ۷۱۴.

از این رو، میلر در جابہ‌جا به کار بردن تحقق‌های نبوتی‌ای کہ به طور مشخص تر به روم بت‌پرست اشارہ داشتند، با روم پاپی مشکلی نداشت. در ادامہ، نمونہ‌هایی از این امر ارائه خواهیم کرد؛ اما اگر دریابیم کہ میلر روم بت‌پرست و روم پاپی را یک پادشاهی می‌دانست، می‌توانیم بفہمیم چرا میلر با این مسئلہ مشکلی نداشت کہ عیسی «مکروہ ویرانی را کہ به زبان دانیال نبی گفته شده است» به عنوان تحققی مربوط به روم بت‌پرست مورد اشارہ قرار دہد، و در عین حال، تعبیر «مکروہ ویرانی» را در کتاب دانیال نمادی از روم پاپی بداند. میلر نمی‌توانست آن سہ قدرت ویرانگر را ببیند، و از این رو چارچوب نبوتی او محدود بود، ہرچند دقیق.

لیکن ہمیں 66ء میں ہونے والی تاریخی تکمیل کے اس ظاہری اختلاف کو کیسے سمجھنا چاہیے، جب مشرک روم نے مسیح کی پیشین گوئی کی تکمیل میں اپنے علموں کو پیکل کے مقدس احاطوں میں نصب کیا؟ کیا "ویرانی کی مکروہ چیز، جس کا ذکر دانی ایل نبی کی معرفت ہوا،" مشرک روم کی علامت ہے یا پاپائی روم کی؟ اس اشکال کا جواب کافی سادہ ہے، اگر آپ دو کے بجائے تین ویران کرنے والی قوتوں کو پہچان لیں۔ ہمیں یروشلم کی تباہی سے متعلق مسیح کی پیشین گوئی کی تکمیل پر سسٹر وائٹ کی توضیح سے آغاز کرنا چاہیے۔

“මඟින් ඇඟවීමේ අනතුරු ලද දෙනෙ නැවත නැවත සහ උපමා බොහෝ”
 රනිච්ලයේ සිදුවන යුදවේදීන්ට කිරීමෙන් රනික්ෂේප්ස් රයාපුත් දවේයන්ගේ
 උන්වහන්සේ වචනවලින් මේ. දුන්නේය පතේවා යේසුස් වන්නේදැයි කුමක්
 සෑම කරන රනික්ෂේප්ස් පිළිගැනීම උන්වහන්සේව ලෙස ගැළවුම්කරුවා සිය
 අනතුරු සෑම. සිවියේය කරමින් රණය්ආමන්ත් සියල්ලන්ටම යුගයකම
 බොහෝ, රයාපුත් අකීකරු, මාලිගාව කළ ර්අපවින්. සදහාය ඔවුන් ඇඟවීමක්ම
 සෑම සියල්ලන්ටම මේ—ගොඩනගන්නේ අවමානකාරී, ගොවියෝ
 පසුතැවිලි ඔහු. ඇත සමානත්වයක් තුළ අත්දැකීම පව්කාරයකුගේ
 .” The වන්නේය ඔහුගේ විනාශය කළ සංකතේන පූර්ව ඔවුන්, නම් නොවන්නේ
 Desire of Ages, 600.

پائیتال روما کے وسیلہ سے روحانی یروشلم کو روحانی طور پر پامال کیا گیا، اور پامالی کے یہ دونوں ادوار (حرفی اور روحانی) اُس تیسرے ویران کرنے والی قوت کے ہاتھوں خدا کے لوگوں کی پامالی کی تمثیل ہیں، جسے روما کے حوالے سے جدید روما کہا جاتا ہے۔

بر بنیاد مکاشفه ستره، بت‌پرستی نخستین چهار پادشاه است؛ پادشاه پنجم، پایت است؛ و پادشاهان ششم و هفتم و هشتم، اتحاد سه‌گانه روم معاصر هستند.

اور وہاں سات بادشاہ ہیں: پانچ گر چکے ہیں، اور ایک ہے، اور دوسرا ابھی تک نہیں آیا؛ اور جب وہ آئے گا تو اسے تھوڑی دیر تک قائم رہنا ہوگا۔ اور وہ حیوان جو تھا اور نہیں ہے، وہی اٹھوے، اور ان سات ہی میں سے ہے، اور ہلاکت میں جاتا ہے۔ مکاشفہ 17:10، 11۔

بر اساس باب دوم دانیال، بت‌پرستی شامل هر چهار پادشاهی است، از بابل واقعی تا روم واقعی. بابل روحانی همان یابیت است (سر زرين)، و اتحاد سه‌گانهٔ اژدها، وحش، و نبي کذاب (روم جديد)،

به وسیله اتحاد سه گانهٔ ماد و فارس، روحانی، یونان، روحانی، و روم روحانی (که زخم مهلک آن شفا یافته است) بازنمایی می‌شود.

هنگامی که عیسی به «مکروه ویرانی که دانیال نبی از آن سخن گفته است» اشاره کرد، او «نشانه‌ای» معین را مشخص می‌ساخت که مسیحیان باید آن را در هر یک از سه روم بشناسند. روم بت‌پرست، روم پاپی و روم جدید، همگی قوم خدا را آزار می‌رسانند. این آزار، در زبان نبوت، به صورت پایمال کردن مقدسگاه و لشکر نمایش یافته است. عیسی برای هر یک از این سه دورهٔ آزارها، هشدار دربارهٔ نزدیک شدن آن آزار ارائه کرد. هنگامی که «نشانه»ی اقتدار روم در درون مقدسگاه قرار داده شد، زمان گریختن از اورشلیم فرا رسیده بود. عیسی تعبیر دانیال از «مکروه ویرانی» را نه به عنوان نمادی از یک قدرت زمینی، بلکه به عنوان نمادی از آن نشانه‌ای به کار می‌برد که مسیحیان می‌بایست آن را تشخیص دهند.

عیسی به شاگردانی که گوش فرا می‌دادند، داوری‌هایی را اعلام کرد که قرار بود بر اسرائیل مرتد فرود آید، و به‌ویژه انتقام مکافات‌آمیزی را که به سبب رد کردن و مصلوب ساختن مسیحا بر ایشان خواهد آمد. نشانه‌های آشکاری پیش از آن اوج هولناک پدیدار می‌شد. آن ساعت هراس‌انگیز ناگهان و به سرعت فرا می‌رسید. و نجات‌دهنده پیروان خود را هشدار داد: «پس چون مکروه ویرانی را که دانیال نبی از آن خبر داده است در مکان مقدس برپا ببینید، (هر که می‌خواند، دریابد): آنگاه آنان که در یهودیه باشند، به کوه‌ها بگریزند.» متی 24:15، 16؛ لوقا 21:20، 21. هنگامی که علم‌های بت‌پرستانه رومیان در آن زمین مقدس، که چند فرسنگی بیرون از دیوارهای شهر امتداد داشت، برپا می‌شد، آنگاه پیروان مسیح می‌بایست امنیت را در گریختن بجویند. چون نشانه هشدار دیده می‌شد، آنان که می‌خواستند بگریزند، نباید هیچ درنگی می‌کردند. در سراسر سرزمین یهودیه، و نیز در خود اورشلیم، فرمان فرار باید بی‌درنگ اطاعت می‌شد. آن که اتفاقاً بر بام می‌بود، نباید به درون خانه‌اش فرود می‌آمد، حتی برای نجات گران‌بهارترین دارایی‌هایش. آنان که در کشتزارها یا تاکستان‌ها کار می‌کردند، نباید وقت بازگشتن برای برداشتن ردای رویین را که هنگام کار کردن در گرمای روز کنار گذاشته بودند، صرف می‌کردند. ایشان نباید لحظه‌ای درنگ می‌نمودند، مبادا در ویرانی همگانی گرفتار شوند.» جدال عظیم، 25.

در این بخش، خواهر وایت «مکروه ویرانی» را «نشانه‌ای بی‌اشتباه» معرفی می‌کند که به وسیلهٔ «درفش‌های بت‌پرستانه رومیان» نمود یافته بود؛ همان‌ها که آن‌ها را در «جایگاه مقدس» حرم برپا کردند. عیسی از «مکروه ویرانی» برای نمایاندن هیچ‌یک از دو قدرت روم بت‌پرست یا روم پاپی استفاده نمی‌کرد، بلکه آن را به عنوان «نشانه» به کار می‌برد. هنگامی که این «نشانه» در جایگاه مقدس هیکل برپا شد، مسیحیان می‌بایست از اورشلیم بگریزند، «مبادا در هلاکت عمومی گرفتار شوند.» خواهر وایت سپس در ادامه، در همین بخش، فراتر رفته و تصریح می‌کند که نبوت مسیح، که آن ویرانی را مشخص می‌ساخت، بیش از یک تحقق داشت.

“है होनी पूर्त और एक की भवष्यवाणी की उद्धारकर्ता में वषिय के आने पर यरूशलेम के न्यायो पापी”
उस हम में गत की नगरी हुई चुनी था। मात्र छाया कषीण एक केवल उजाड़पन भयंकर वह सामने जसिके को व्यवस्था उसकी और है दिया ठुकरा को करुणा की परमेश्वर जसिने है सकते देख को दण्डादेश के संसार अंधकारमय जो के दुर्दशा मानव ने पृथ्वी दौरान के शताब्दियों दीर्घ अपने के अपराध है। डाला रौद तले पैरो कषीण मन और, है उठता हो व्याकुल हृदय हुए करते मनन पर उन है। भयावह अत्यन्त वे, है देखे अभलिख के भवष्य परन्तु है। रहे भयानक परणाम के करने अस्वीकार को अधिकार के स्वर्ग है। जाता पड़ ,पुथल-उथल—अभलिख के अतीत है। गया कथिा प्रसतुत दृश्य अंधकारमय अधकि भी इससे में प्रकाशनों 'वस्त्र हुए लथड़े में लोहू और, कोलाहल का युद्ध के योद्धा, 'परम्परा दीर्घ वह की क्रान्तियों और संघर्षों दुष्टों आत्मा रोकनेवाला का परमेश्वर जब, है क्या में तुलना की वभीषिकाओं की दनि उस(Isaiah 9:5)— न लिए के रोकने को प्रकोप के क्रोध शैतानी तथा वासना-मानव फरि वह और, जाएगा लथिा हटा पूरणतः से

”देखेगा। को परणामो के शासन के शैतान, भाँतकी नहीं कभी पहले, संसार तब! रहेगा

»اما در آن روز، همان گونه که در زمان ویرانی اورشلیم بود، قوم خدا رهایی خواهند یافت، یعنی هر که در شمار زندگان مکتوب یافت شود. اشعیا ۴:۳. مسیح اعلام کرده است که بار دوم خواهد آمد تا وفاداران خویش را نزد خود جمع کند: ”آنگاه جمیع قبایل زمین سینه زنان خواهند نالید، و پسر انسان را خواهند دید که بر ابرهای آسمان با قوت و جلال عظیم می آید. و فرشتگان خود را با آواز بلند کرنا خواهد فرستاد، و برگزیدگان او را از چهار باد، از کران تا کران آسمان، فراهم خواهند آورد.“ متی ۲۴:۳۰، ۳۱. آنگاه آنان که انجیل را اطاعت نمی کنند، به نفَس دهان او هلاک خواهند شد و به ظهور درخشان آمدن او نابود خواهند گردید. دوم تسالونیکیان ۲:۸. شریران، همچون اسرائیل قدیم، خود را هلاک می سازند؛ ایشان به سبب گناه خویش سقوط می کنند. آنان با زندگی آکنده از گناه، خویشتن را چنان از هماهنگی پا خدا دور ساخته اند، و سرشتشان چنان به شرارت تنزل یافته است، که تجلی جلال او برای ایشان آتشی سوزاننده است.»

»مردم باید برحذر باشند مبدا درسی را که در سخنان مسیح به ایشان رسانیده شده است، نادیده بگیرند. همان گونه که او شاگردان خود را از ویرانی اورشلیم هشدار داد و نشانه ای از خرابی نزدیک شونده به آنان بخشید تا بتوانند بگریزند، همان سان جهان را نیز از روز هلاکت نهایی هشدار داده و نشانه هایی از نزدیک شدن آن عطا کرده است تا هر که بخواهد، از غضب آینده بگریزد. عیسی اعلام می دارد: ”و علامت ها در آفتاب و ماه و ستارگان خواهد بود؛ و بر زمین پریشانی امت ها.“ Luke 21:25; Matthew 24:29; Mark 13:24-26; Revelation 6:12-17. آنان که این پیش نشان های آمدن او را می بینند، باید ”بدانند که نزدیک است، بلکه بر درها.“ Matthew 24:33. ”پس بیدار باشید،“ این است کلام هشداردهنده او. Mark 13:35. آنان که به این هشدار توجه کنند، در تاریکی وا گذاشته نخواهند شد تا آن روز ایشان را غافلگیر سازد. اما برای آنان که بیدار نخواهند بود، ”روز خداوند همچون دزد در شب می آید.“ The Great 1 »Thessalonians 5:2-5. Controversy, 36, 37

جب بہن وائٹ نے یہ الفاظ لکھے، اُس وقت یروشلم کی تباہی کی ایک آئندہ تکمیل ابھی باقی تھی۔ اُس تعزیری عدالت کا فیصلہ جو دنیا کے خاتمے پر جدید روم (اژدہا، حیوان اور جھوٹا نبی) کے خلاف نافذ کیا جاتا ہے، روحانی بابل کے آخری سقوط کی نمائندگی کرتا ہے؛ لیکن روحانی بابل (پاپائیت) ایک بار پہلے ہی 1798 میں سقوط پذیر ہو چکی تھی۔ یروشلم کی تباہی ایک مرتد کلیسیا پر خدا کے تعزیری عدالت کے فیصلے کی نمائندگی کرتی ہے۔

نابودی اورشلیم در طول سه سال و نیم، از سال 66 میلادی تا 70 میلادی، نمونه ای از نابودی داوری کیفری خدا در پایان جهان است که بر روم جدید (اژدها، وحش و نبی کذاب) وارد می شود. محاصره و نابودی اورشلیم، که به وسیله بت پرستی از سال 66 میلادی تا 70 میلادی به انجام رسید، دقیقاً سه سال و نیم به طول انجامید.

محاصره و ویرانی اورشلیم روحانی که به وسیله پاپ گرایی به انجام رسید، سه سال و نیم نبوی، از ۵۳۸ تا ۱۷۹۸، به طول انجامید. آن دو تمثیل، محاصره و ویرانی اورشلیم را در «ساعت» بحران قانون یکشنبه که به وسیله روم جدید پدید می آید، نمونه وار می سازند. آخرین سه ویرانی اورشلیم، چنان که در کتاب دانیال نشان داده شده است، معکوس می گردد.

کتاب دانیال با فتح و ویرانی اورشلیم به دست بابل آغاز می شود و با نابودی بابل و پیروزی اورشلیم پایان می پذیرد. در هر یک از این سه نبرد، نشانه ای به مسیحیان داده شد تا ایشان را آگاه سازد که از جنگ در شرف وقوع بگریزند. در سال 66 میلادی، این نشانه هنگامی بود که لشکرهای روم بت پرست علم های خود (پرچم های جنگی خویش) را در زمین مقدس حرم قرار دادند. در سال 538، این نشانه زمانی بود که «مرد گناه» مکشوف گردید، در هیکل خدا (یعنی کلیسای مسیحی) نشست و خود را خدا

نمود، آنگاه که در همان سال در شورای اورلئان قانونی دربارهٔ یکشنبه وضع کرد. اجرای اجباری یکشنبه همان چیزی است که پاپیت آن را دلیل اقتدار خود بر جهان مسیحی می‌شمارد، زیرا استدلال می‌کنند - و در این امر برحق‌اند - که در کلام خدا هیچ پشتوانه‌ای برای پرستش یکشنبه وجود ندارد، و این واقعیت که ایشان یکشنبه را به عنوان روز عبادت در مسیحیت برقرار ساختند، گواه آن است که اقتدار سنت‌ها و رسوم بت‌پرستانه ایشان برتر از کتاب مقدس است.

در سال ۵۳۸، مسیحیان می‌بایست از کلیسای روم جدا شوند، نه صرفاً از آن رو که آن کلیسا به راستی کلیسای مسیحی نبود، بلکه نیز زیرا نشان اقتدار پاپی در عرصه مقدس کلیسای خدا برپا شده بود. خواهر وایت فرایند جدایی آن تاریخ را مشخص می‌سازد؛ تاریخی که دوره‌ای را آغاز کرد که در آن کلیسای خدا برای مدت هزار و دویست و شصت سال به بیابان گریخت.

«لیکن شهزاده نور اور شهزاده ظلمت کے درمیان کوئی اتحاد نہیں، اور نہ ہی اُن کے پیروکاروں کے درمیان کوئی اتحاد ہو سکتا ہے۔ جب مسیحیوں نے اُن لوگوں کے ساتھ متحد ہونے پر رضامندی ظاہر کی جو بت پرستی سے محض آدھے ہی تبدیل ہوئے تھے، تو وہ ایسی راہ پر چل پڑے جو انہیں حق سے بتدریج زیادہ سے زیادہ دور لے گئی۔ شیطان اس بات پر شادمان ہوا کہ وہ مسیح کے اتنے بڑے شمار کے پیروکاروں کو فریب دینے میں کامیاب ہو گیا تھا۔ پھر اُس نے اِن پر اپنی قدرت کو زیادہ کامل طور پر استعمال کیا، اور انہیں اُن لوگوں پر ظلم ڈھانے کے لیے ابھارا جو خدا کے وفادار رہے تھے۔ کسی نے بھی اتنی اچھی طرح نہ جانا تھا کہ سچے مسیحی ایمان کی مخالفت کیسے کی جائے، جتنا اُن لوگوں نے جو کبھی اُس کے مدافع تھے؛ اور یہ مرتد مسیحی، اپنے نیم‌بت پرست ساتھیوں کے ساتھ مل کر، اپنی جنگ مسیح کی تعلیمات کے نہایت بنیادی خصائص کے خلاف لے گئے۔»

”برای آنان که می‌خواستند وفادار بمانند، ایستادگی استوار در برابر فریب‌ها و رجاساتی که در جامه‌های کهنوتی پنهان شده و به کلیسا راه یافته بودند، مستلزم کشاکشی جان‌فرسا بود. کتاب مقدس به عنوان معیار ایمان پذیرفته نمی‌شد. آموزه آزادی دینی بدعت خوانده می‌شد، و پشتیبانان آن مورد نفرت قرار گرفته، طرد می‌شدند.

»پس از کشمکش طولانی و سخت، آن اندک وفاداران بر آن شدند که اگر آن کلیسای مرتد همچنان از رهایی خویش از دروغ و بت پرستی سر باز زند، هرگونه اتحاد با آن را منحل سازند. آنان دریافتند که اگر بخواهند از کلام خدا اطاعت کنند، جدایی ضرورتی مطلق است. جرئت نداشتند خطاهایی را که برای جان‌های خودشان مهلک بود تحمل کنند، و سرمشقی بر جای نهند که ایمان فرزندان‌شان و فرزندان فرزندان‌شان را به خطر اندازد. برای تأمین صلح و وحدت، آماده بودند هر امتیازی را که با وفاداری به خدا سازگار باشد بپذیرند؛ اما احساس می‌کردند که حتی صلح نیز اگر به بهای قربانی کردن اصول به دست آید، بهایی بس گزاف خواهد داشت. اگر وحدت تنها با مصالحه بر سر حقیقت و پارسایی حاصل می‌شد، پس بگذار اختلاف باشد، و حتی جنگ. The Great Controversy, 45

ما این اندیشه‌ها را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

»ابدیت در برابر ما امتداد دارد. پرده در آستانه کنار رفتن است. ما که این جایگاه خطیر و مسئولانه را اشغال کرده‌ایم، چه می‌کنیم، و به چه می‌اندیشیم، که چنین به محبت خودخواهانه خویش نسبت به آسایش چنگ زده‌ایم، در حالی که جان‌ها در اطراف ما هلاک می‌شوند؟ آیا دل‌های ما یکسره بی‌احساس شده است؟ آیا نمی‌توانیم احساس کنیم یا دریابیم که برای نجات دیگران کاری بر عهده ماست؟ ای برادران، آیا شما از آن گروه هستید که با داشتن چشم نمی‌بینند، و با داشتن گوش نمی‌شنوند؟ آیا عیب است که خدا معرفت اراده خود را به شما داده است؟ آیا عیب است که او هشدار پس از هشدار برای شما فرستاده است؟ آیا اظهارات حقیقت ابدی را درباره آنچه در شرف آمدن بر زمین است باور دارید، آیا باور دارید که داورهای خدا بر فراز مردم آویخته است، و

آیا با این همه هنوز می‌توانید در آسایش بنشینید، سست، بی‌مبالات و عیش‌دوست؟»

«اکنون زمانی نیست که قوم خدا دل‌بستگی‌های خود را استوار سازند یا گنج خویش را در جهان بپندوزند. زمانی چندان دور نیست که، همانند شاگردان نخستین، ناچار خواهیم شد در مکان‌های متروک و خلوت پناه بجوییم. همان‌گونه که محاصره اورشلیم به وسیله سپاهیان روم علامت فرار برای مسیحیان یهودیه بود، همچنین به دست گرفتن قدرت از سوی ملت ما در حکمی که سبت پاپی را به اجرا درمی‌آورد، برای ما هشدار خواهد بود. آن‌گاه وقت آن خواهد بود که شهرهای بزرگ را ترک کنیم، تا در آمادگی برای ترک شهرهای کوچک‌تر، به خانه‌های دورافتاده در جاهای خلوت میان کوه‌ها برویم. و اکنون، به جای آنکه در اینجا در پی مسکن‌های گران‌قیمت باشیم، باید خود را برای رفتن به وطنی بهتر، یعنی وطنی آسمانی، آماده سازیم. به جای آنکه دارایی خود را در ارضای نفس صرف کنیم، باید بیاموزیم که صرفه‌جویی کنیم. هر استعدادی که خدا به امانت سپرده است، باید برای جلال او در رساندن هشدار به جهان به کار گرفته شود. خدا برای همکاران خود کاری در شهرها دارد. مأموریت‌های ما باید پشتیبانی شوند؛ مأموریت‌های تازه باید گشوده شوند. پیشبرد کامیاب این کار مستلزم هزینه‌ای اندک نخواهد بود. خانه‌های عبادت لازم است تا مردم بتوانند دعوت شوند که حقایق مربوط به این زمان را بشنوند. دقیقاً برای همین منظور، خدا سرمایه‌ای را به مباشرین خود سپرده است. مگذارید اموال شما در بنگاه‌های دنیوی بسته و مقید شود، به‌گونه‌ای که این کار بازداشته گردد. دارایی خود را در جایی قرار دهید که بتوانید آن را برای منفعت آرمان خدا به کار برید. گنج‌های خود را پیش از خود به آسمان بفرستید.» Testimonies,

volume 5, 464